



Analysis of Mother Tongue Adherence among Turkic, Kurdish and Lor Ethnicities

Bahareh Arvin¹ | Fatemeh Mirzaei Habili²

1. Corresponding author. Member of the faculty of Sociology Department of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: bahare.arvin@modares.ac.ir

2. Master's degree in sociology, Tehran, Iran. E-mail: mirzaei.7216@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 1 May 2023
Received in revised form 4 August 2024
Accepted 17 August 2024
Published online 20 September 2023

Keywords:
Mother tongue, Adherence to mother tongue, Language change, Language attitude, Ethnic identity

ABSTRACT

The purpose of this study is to measure and compare the degree of adherence to the mother tongue between the three ethnicities of Turks, Kurds and Lors, and to identify the factors that explain the differences in the degree of adherence of different ethnic groups to the mother tongue. For this purpose, a questionnaire was distributed among a sample population of 300 people, equal to 100 students of Turkish, Kurdish and Lori who were studying at Tarbiat Modares University. After entering the data into SPSS software, first the results were described in the form of frequency tables of indicators of mother tongue adherence, attitude towards mother tongue and ethnic identity, and then F-test or analysis of variance to evaluate the mean differences. These indicators were used among the three ethnicities of Turks, Kurds and Lors. The results show that the level of adherence and attitude of the Lor people towards their mother tongue is significantly different from that of the two ethnic groups, Kurds and Turks. Although the Lors have less adherence to their mother tongue than the Turks and Kurds, but their tendency towards ethnic identity has been as great as theirs. Therefore, it can be concluded that the degree of adherence to the mother tongue is influenced by the amount of objective opportunities that a language provides for its speakers in order to communicate more and improve the economic and social situation, rather than being influenced by mental factors such as ethnic identity. Both Kurdish and Turkish, as languages belonging to foreign language communities, provide more opportunities for their speakers than Lori, which is limited to the borders of Iran; As a result, speakers have a more positive attitude towards these languages and a greater degree of adherence..

Cite this article: Arvin, B., & Mirzaei Habili, F. (2024). Analysis of mother tongue adherence among Turkic, Kurdish and Lor ethnicities., *Sociological Review (Social Science Letter)*, 31 (1), 125- 142.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.342438.1764>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.342438.1764>

تحلیل میزان پایداری به زبان مادری در میان قومیت‌های ترک، کرد و لر (مورد مطالعه: دانشجویان ترک، کرد و لر دانشگاه تربیت مدرس)

بهاره آروین^۱ | فاطمه میرزایی هابیلی^۲۱. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: bahare.arvin@modares.ac.ir۲. کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران، ایران. رایانامه: mirzaei.7216@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: زبان مادری، پایداری به زبان مادری، تغییر زبان، نگرش زبانی، هویت قومی</p>	<p>هدف از این پژوهش سنجش و مقایسه میزان پایداری به زبان مادری در بین سه قومیت ترک، کرد و لر و شناخت عواملی است که تفاوت در میزان پایداری اقوام مختلف به زبان مادری را تبیین می‌کند. بدین منظور پرسشنامه‌ای در بین جمعیت نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ نفر، به صورت مساوی از هر قومیت ۱۰۰ نفر از دانشجویان ترک، کرد و لر که در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تحصیل بوده‌اند، توزیع گردید. پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS، ابتدا به توصیف نتایج در قالب جداول فراوانی شاخص‌های پایداری به زبان مادری، نگرش نسبت به زبان مادری و هویت قومی پرداخته و سپس از آزمون F یا تحلیل واریانس برای ارزیابی تفاوت میانگین‌های این شاخص‌ها در میان سه قومیت ترک، کرد و لر استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که میزان پایداری و نگرش قوم لر نسبت به زبان مادری تفاوت معناداری با دو قوم کرد و ترک دارد و لرها نسبت به ترک‌ها و کردها میزان پایداری‌شان به زبان مادری به مراتب کمتر و نگرش منفی‌تری نسبت به زبان مادری‌شان دارند. با وجود اینکه لرها میزان پایداری‌شان به زبان مادری کمتر از ترک‌ها و کردها است، اما میزان گرایش‌شان به هویت قومی به اندازه آن‌ها بوده است. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که میزان پایداری به زبان مادری بیش از آنکه تحت تاثیر عوامل ذهنی همچون هویت قومی باشد، متاثر از میزان فرصت‌های عینی است که یک زبان برای گویشورانش در جهت ارتباطات بیشتر و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، فراهم می‌کند. دو زبان کردی و ترکی نیز به عنوان زبان‌هایی که متعلق به جوامع زبانی برون‌مرزی هستند، در مقایسه با زبان لر که محدود در مرزهای ایران است، فرصت‌های بیشتری برای گویشوران‌شان فراهم می‌کنند؛ در نتیجه گویشوران نگرش‌شان نسبت به این زبان‌ها مثبت‌تر و میزان پایداری‌شان بیشتر است.</p>

استناد: آروین، بهاره، میرزایی هابیلی، فاطمه. (۱۴۰۳). تحلیل میزان پایداری به زبان مادری در میان قومیت‌های ترک، کرد و لر مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۱ (۱)، ۱۲۵-۱۴۲.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.342438.1764>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. بیان مسئله

مسئله این پژوهش تضعیف زبان مادری در میان برخی قومیت‌های ایرانی است به گونه‌ای که مشاهده می‌شود نسل‌های جدید در میان این قومیت‌ها از آموختن زبان مادری‌شان به فرزندان‌شان خودداری می‌کنند. پرسش‌های محققان در مواجهه با این واقعیت روزمره در پیرامون خود این بود که آیا این مشاهدات نادر و پراکنده است یا فراگیر؟ اگر ضعف پابندی به زبان مادری فراگیر است، این فراگیری در میان همه قومیت‌ها یکسان است یا مربوط به برخی قومیت‌ها است؟ اساساً آیا میان پابندی به زبان مادری در میان قومیت‌های مختلف در ایران تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و آیا این تفاوت با میزان هویت قومی قابل توضیح است؟ آیا می‌توان گفت قومیت‌هایی که زبان قومی در آن‌ها تضعیف شده دارای درجات پایین‌تری از هویت قومی هستند؟ در جهت پاسخ به این سوالات آغازین بود که محققان تصمیم به پژوهش نظام‌مند در مورد میزان پابندی به زبان مادری در میان قومیت‌های مختلف ایرانی گرفتند و البته چارچوب این پژوهش بیش از هر چیز توسط مقتضیات و امکانات یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحدید شده است.

نتایج پژوهش‌های مختلفی که توسط زبان‌شناسان داخلی و خارجی انجام گرفته است، از جمله پژوهش فیشمن^۱ (۱۹۶۶) در رابطه با تغییر زبان مهاجران در آمریکا، پژوهش گل^۲ (۱۹۷۹) در منطقه دو زبانه ابروارت در اتریش، بررسی دورین^۳ (۱۹۸۱) در منطقه دو زبانه سادرلند شرقی در اسکاتلند، مطالعه پارک در رابطه با نوجوانان کره‌ای مهاجر در آمریکا، پژوهش ذوالفقاری (۱۳۷۶) درباره گویش بختیاری، بشیرنژاد (۱۳۷۹) در بررسی کاربرد زبان مازندرانی و نشان‌دهنده زوال تدریجی زبان‌های محلی در نقاط مختلف دنیا و رها کردن این زبان‌ها به نفع زبان‌های معیار هستند.

با وجود اینکه برخورد زبانی و نتایج آن یعنی چندزبانگی، حفظ و تغییر زبان در سراسر جهان یک روند عام است، اما آنچه وجه پرابلماتیک دارد، تفاوت در رفتارهای زبانی اعم از حفظ یا تغییر زبان از یک جامعه زبانی به جامعه زبانی دیگر است؛ بدین صورت که بین زبان‌های قومی مختلف از نظر سرعت تغییر یا زوال تفاوت وجود دارد و میزان پابندی اقوام مختلف به زبان مادری‌شان متفاوت است.

در ایران نیز شواهد حاکی از میزان پابندی متفاوت اقوام مختلف به زبان مادری است. پژوهش‌هایی از جمله پژوهش کریم مهری و رضا مهری (۱۳۹۵) در مورد زبان ترکی و پژوهش یحیی کیخایی در مورد زبان بلوچی در استان سیستان و بلوچستان، نشان می‌دهند که برخی از اقوامی که در استان‌های مرزی ساکن هستند، علیرغم وجود تعدادی از عوامل اصلی دخیل در تغییر زبان، از جمله زبان آموزش و سوادآموزی در نظام آموزشی ایران، در تلاش برای حفظ زبان مادری خود هستند؛ در حالی که پژوهش‌های انجام شده در مورد برخی دیگر از زبان‌های قومی از جمله پژوهش ذوالفقاری (۱۳۷۶) در مورد زبان لری بختیاری و پژوهش بشیرنژاد در مورد زبان مازندرانی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که زبان فارسی در حوزه‌های مختلف اجتماعی جایگزین این زبان‌ها شده است و گویشوران این زبان‌ها گرایش به آموزش زبان فارسی به فرزندان خود در محیط خانواده دارند، که این را می‌توان از نشانه‌های تغییر زبان مادری دانست؛ چرا که به باور دیتمار^۴ زبانی که در حوزه خانواده کاربرد ندارد در مقایسه با زبانی که در حوزه خانواده کاربرد دارد، از شانس کمتری برای بقا برخوردار است (صفایی اصل و آرام، ۱۳۹۵).

در ادبیات جامعه‌شناسی زبان، هویت قومی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر میزان پابندی به زبان شناخته می‌شود. توضیح اینکه چون انسان‌ها به طور طبیعی و فطری دارای احساس تعلق و عدم تعلق هستند و زبان ابزار مناسبی برای ابراز نمادین احساس تعلق و عدم تعلق است، رابطه‌ای دوسویه میان زبان و هویت شکل گرفته است، بدین صورت که زبان و گویش هر

1 Joshua A. Fishman

2 Susan Gal

3 Nancy C. Dorian

4 Dittmar Elyashevich Rozental

شخص معرف بخشی از هویت اوست و در واقع زبان از مهم‌ترین شاخصه‌های هویت اجتماعی قلمداد می‌شود. به همین دلیل است که گفته می‌شود سمت و سوی تحولات زبانی از قبیل تغییر، بقاء، تقویت یا زوال هر زبان به شدت تحت تاثیر احساسات تمایزطلبانه و یا وحدت‌جویانه سخنگویان آن زبان است (داوری اردکانی، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالبی که گفته شد سوالات این پژوهش عبارتند از:

- آیا میزان پایداری به زبان مادری در بین سه قومیت ترک، کرد و لر تفاوت معناداری دارد؟
- در صورت وجود تفاوت معنادار در میزان پایداری به زبان در میان این سه قوم، این تفاوت چگونه قابل تبیین است؟
- آیا تفاوت در گرایش به هویت قومی سه قوم ترک، کرد و لر بر میزان پایداری‌شان به زبان مادری موثر است یا خیر؟

۲. پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات توصیفی و تبیینی انجام شده در حوزه میزان پایداری به زبان مادری را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به تحقیقات داخلی و خارجی تقسیم کرد. درهریک از این دو دسته، تحقیقاتی هستند که زوال پایداری به زبان مادری را یک جریان عام و جهانی و مسلط توصیف می‌کنند و نیز دسته دیگر تحقیقات که بر مثال‌های موردی متمرکزند که یک گروه یا قومیت خاص بنابه دلایلی در برابر این روند جهانی زوال مقاومت کرده و پایداری به زبان مادری در میان اعضای آن گروه یا قومیت بالاست. در ادامه تعدادی از تحقیقات موجود در دسته‌های موردبحث مرور شده است.

پژوهش سیما ذوالفقاری (۱۳۷۶) با عنوان «بقا یا زوال گویش بختیاری» به عنوان یکی از گویش‌های زبان لری، اولین اثر در ایران است که پدیده بقا یا زوال گویش‌ها را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف و آموزش آن به فرزندان در خانواده‌های مسجد سلیمانی روزبه‌روز رو به فزونی است و در مجموع بختیاری با کاهش میزان کاربرد در حوزه‌های مختلف و خروج تدریجی از این حوزه‌ها، جای خود را به زبان فارسی می‌دهد و این نشان‌دهنده یک روند زوال تدریجی است.

از جمله پژوهش‌های دیگری که مشابه کار ذوالفقاری با استفاده از روش تحلیل حوزه‌ای به بررسی تغییر زبان‌های محلی پرداخته‌اند، می‌توان به کارهایی از قبیل پژوهش بشیرنژاد (۱۳۸۶) در سطحی گسترده‌تر در مورد جایگاه، کاربرد و نگرش‌های گویشوران نسبت به زبان مازندرانی در استان مازندران، بررسی نگرش دانش‌آموزان دو زبانه شهر مرند نسبت به کاربرد زبان فارسی با تکیه بر جنسیت و طبقه اجتماعی، توسط اسماعیل صفایی در سال ۱۳۸۳، بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی و والدین آن‌ها در شهر رشت توسط طاهره مشایخ (۱۳۸۲)، اشاره کرد؛ نتایج این تحقیقات همگی نشان‌دهنده زوال تدریجی زبان‌های محلی و جایگزین کردن زبان فارسی به جای این زبان‌ها در درون خانواده‌ها و دیگر حوزه‌های اجتماعی است.

از جمله کارهایی که یافته‌هایی متفاوت از تحقیقات پیش‌گفته دارد و به نوعی در زمینه حفظ زبان مادری انجام گرفته است می‌توان به کار کریم مهری و رضا مهری (۱۳۹۵) در رابطه با چگونگی تغییر زبان گفتاری از ترکی به فارسی در دو دهه گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر اشاره کرد. نویسنده علت گسترش زبان فارسی در گذشته را استفاده طبقات فرادست از زبان فارسی به عنوان یک عنصر برای متمایز کردن خود از طبقات فرودست می‌دانستند. از این رو طبقات فرودست نیز در جست‌وجوی راه‌های ورود به طبقه فرادست از طریق تغییرات زبانی و پیرو آن تغییرات ارزشی بودند. اما پس از همه‌گیر شدن استفاده از زبان فارسی و همزمان با تحولات نظام بین‌المللی و فروپاشی شوروی و تشکیل نظام سیاسی آذربایجان و تلاش آذربایجان در تقویت حس ناسیونالیستی، ابزار جدیدی در دست طبقه فرادست قرار می‌گیرد تا بتواند به نمایش جلال طبقاتی خود دست زند و آن نیز صحبت به

زبان ترکی غنی شده است. بدین ترتیب قدرت تشخیص آوری صحبت به زبان فارسی رو به کاهش می‌رود و دیالکتیک تظاهر و تمایز که هدایت‌کننده آن بود رنگ می‌بازد.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که نتایجش بار دیگر از حفظ یک زبان بومی حکایت دارد، پژوهش کیخایی (۱۳۸۹) با عنوان بررسی نگرش زبانی در محیط‌های دوزبانه در بین گویشوران زبان‌های در حال انقراض است که در مورد زبان بلوچی در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان دادند که گویشوران زبان بلوچی اهمیت زیادی برای زبان مادری‌شان قائل هستند. نساج (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان جهانی شدن و هویت اقوام بیان می‌کند که تنها فرهنگ و زبان اقوامی که دارای ویژگی‌هایی همچون قدرت و حمایت دولتی، وجود میراث غنی مکتوب، پیوستگی با مذهب، عدم انحصار به یک کشور خاص و دارای پتانسیل-های جهانی باشند، در فرهنگ و زبان مسلط ادغام نمی‌شود. اما وی معتقد است که حتی با وجود ادغام فرهنگ و زبان یک قوم در فرهنگ و زبان مسلط، هویت قومی ممکن است براساس مولفه‌های دیگری به حیات خود ادامه دهد.

در مقابل، قربان‌پور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی» نشان می‌دهد که زبان مادری و هویت قومی رابطه‌ای معنادار دارند، بدین معنا که با افزایش تسلط به زبان مادری هویت قومی افراد افزایش می‌یابد. در میان پژوهش‌های خارجی، مطالعه فیشرمن در سال ۱۹۶۶ در رابطه با استفاده از روش تحلیل حوزه‌ای به بررسی میزان پایداری به زبان مادری در میان گروه‌های مهاجر در ایالات متحده پرداخته است و در نهایت سه قاعده کلی را ناظر بر تغییر زبان‌ها می‌داند: محفوظ ماندن یک زبان، به پایداری افراد به ایدئولوژی قومی وابسته است؛ شهرنشینان بیش از روستائینان در تغییر زبان نقش دارند؛ و همواره زبان معتبر زبان غیر معتبر را از صحنه خارج می‌کند (بشیرنژاد، ۱۳۸۶).

نتایج پژوهش‌های گل (۱۹۷۹) در مورد علل تغییر زبان از زبان مجاری به زبان آلمانی در منطقه دو زبانه اوبرورات در شرق اتریش و همسایگی مجارستان و دوریان (۱۹۸۱) در مورد علل تغییر زبان از زبان گالی به زبان انگلیسی در منطقه سادرلند شرقی در شمال اسکاتلند نشان می‌دهد که زبان گویشوران تا حدود زیادی با نوع شغل آنها پیوند خورده و از میان رفتن مشاغل سنتی و کشاورزی و روی آوردن به مشاغل جدید، صنعتی و بازرگانی زمینه حذف زبان سنتی را فراهم نموده بود (بشیرنژاد، ۱۳۸۶). همچنین اینامم رابرت (۱۹۸۵)، به نقل از محمدزاده، (۱۳۹۰) در بررسی تغییر زبان بومی در بین ترکمن‌های عراق به عربی، پنج عامل از قبیل اعتبار (پایگاه)، عوامل جمعیت‌شناختی، نهادهای حمایتی، متغیرهای تغییر اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی و محدوده (حوزه) و نسل را به عنوان عوامل موثر در تغییر زبان در بین ترکمن‌ها برشمرده است.

لیبرسن (۱۹۷۲)، به نقل از بشیرنژاد (۱۳۸۶) دو عامل مهم، یعنی آموزش زبان فرانسه به کودکان در محیط خانواده و استفاده از زبان فرانسه به عنوان زبان آموزشی در مدارس را به عنوان رمز بقای زبان فرانسه در کنار زبان انگلیسی در جامعه دو زبانه مونترال برشمرده است. کلینگ اسمیت^۱ (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی با عنوان دوزبانگی، تغییر زبان و توسعه اقتصادی در هند همچون دورین و گل، علل اصلی تغییر زبان را صنعتی شدن جوامع و عدم کارکرد زبان‌های محلی در رابطه با اشتغال می‌داند. وی در این تحقیق نشان داده است که رشد شهرنشینی و اشتغال در اواسط قرن بیستم در هند به شدت به افزایش دو زبانگی انجامیده و دوزبانگی نیز به نوبه خود منجر به کاهش نسبی زبان‌ها شده است.

یومانان^۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی «هویت قومی مهاجران» در شهر الینویز پرداخته است و تلاش دارد تا دریابد مهاجران در برخورد با فرهنگ بومی و جامعه میزبان به چه نحوی عکس‌العمل نشان می‌دهند و در عین حال به نقش موثر متغیرهایی همچون

زبان مادری در این فرایند می‌پردازد. وی نشان داد: با کاهش تسلط نمونه تحقیق به زبان مادری، هویت قومی آن‌ها کاهش داشته است. همچنین یومانا و یازجیان (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی توسعه هویت قومی در بین مهاجران پرتوریکویی و مکزیکی در آمریکا» نشان دادند که مهاجرانی که توانایی بیشتری در استفاده از زبان مادری‌شان دارند، از هویت قومی بالاتری نسبت به دیگر دانش‌آموزان برخوردار بوده‌اند.

خیا^۱ (۱۹۹۲) در مطالعه خود در زمینه حفظ زبان چینی در بین چینی‌های مهاجر در آمریکا، به این نتیجه دست یافت، که چینی‌های مهاجر با بالا بردن موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود و با به دست آوردن سمت‌های مهم دولتی در آمریکا، میزان پایبندی‌شان به زبان مادری افزایش یافته و به هویت قومی خود افتخار می‌کنند.

چنان‌که دیده می‌شود هم در پژوهش‌های انجام شده در ایران و هم در پژوهش‌های انجام شده در خارج از ایران، توصیف و تبیین یکدستی در مورد واقعیت پایبندی به زبان مادری در مناطق مختلف جغرافیایی و در میان گروه‌ها و قومیت‌های مختلف وجود ندارد. جریان اصلی ناظر به زوال تدریجی زبان‌های محلی و قومی است اما همواره مواردی مشاهده شده است که به عللی پایبندی به یک زبان قومی یا محلی توسط گویشوران به آن زبان حفظ شده است. در تبیین این تفاوت‌ها، هم وجه اقتصادی و معیشتی بیان شده است و هم وجوه فرهنگی و مربوط به حفظ ارزش‌ها و هویت قومی.

با تمام این‌ها، آنچه در میان پژوهش‌های انجام شده در ایران در میان قومیت‌های مختلف مغفول مانده است این است که در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها تفاوت در میزان پایبندی به زبان در میان اقوام مختلف به صورت مقایسه‌ای و فرضیات موجود در تبیین تفاوت‌های احتمالی بررسی نشده است. بنابراین جنبه نوآورانه این پژوهش بررسی مقایسه‌ای میزان پایبندی به زبان مادری در بین سه قومیت پرجمعیت در ایران یعنی قومیت‌های ترک، لر و کرد است.

۳. پیشینه نظری تحقیق

به طور کلی می‌توان نظریاتی که عوامل حفظ یا تغییر زبان را بیان می‌کنند به دو دسته کلی تقسیم کرد: نظریاتی که حفظ یا تغییر زبان را معطوف به میزان کارکردهای مختلف زبان در برآوردن نیازهای ارتباطی، اجتماعی و اقتصادی تبیین می‌کنند؛ و دسته دیگری از نظریات که حفظ و پایبندی به زبان مادری را وجهی از میزان پایبندی به هویت قومی و محلی می‌دانند و از این‌رو، فارغ از کارکردهای واقعی زبان، ممکن است یک اقلیت قومی برای حفظ هویت خود پایبندی‌شان به زبان مادری را حفظ کنند. در ادامه آراء نظریه‌پردازان هر یک از این دو دسته شرح داده شده است.

۳-۱- نظریات معطوف به کارکرد زبان

نظریاتی که بر میزان کارکرد زبان‌ها، قابلیت‌شان در برآوردن نیازهای اجتماعی و کسب فرصت‌های اقتصادی برای افراد و توان آن‌ها برای ایجاد ارتباط به عنوان عاملی تاثیرگذار در حفظ یا تغییر این زبان‌ها اشاره می‌کنند. این نظریات بر بعد اقتصادی و اجتماعی تبدلات زبانی تاکید دارند و زبان‌ها را از این حیث دارای ارزش‌های متفاوتی می‌دانند، که منافع متفاوتی را نصیب گویشوران‌شان می‌کنند. این منافع ممکن است کسب موقعیت و نفوذ اجتماعی یا به طور مستقیم منافع اقتصادی باشند. بر این اساس انتخاب زبان‌ها توسط افراد، مبتنی بر ارزیابی منطقی آن‌ها از میزان سود و زبانی است که یک زبان نصیب‌شان می‌کند و همچنین فرصت‌هایی که برای ارتباط برایشان فراهم می‌کند.

بورديو^۱ نیز از جمله کسانی است که بر بعد اقتصادی و اجتماعی تبادلات زبانی تاکید دارد و دلیل تغییر زبان یا به تعبیر خودش سلب مالکیت افراد از زبان شان را منفعت‌های متفاوتی می‌داند که زبان‌ها عاید افراد می‌کنند. وی زبان‌های مختلف را دارای ارزش یکسان نمی‌داند و از همین رو معتقد است که منافع یکسانی را هم نصیب کسانی که با آن زبان‌ها سخن می‌گویند، نمی‌کنند. در جوامع زبانی واقعی هیچ دسترسی برابری به منابع زبانی وجود ندارد. در تربیت، تحصیل، دسترسی به آموزش عالی و به طور کلی در محیط‌های اجتماعی که فرد زندگی خود را شکل می‌دهد، تفاوت وجود دارد؛ و این تفاوت‌ها، سبک‌های نوشتاری متفاوت و توانش‌های قیاسی متفاوت را نتیجه می‌دهند. ارزش کلی شیوه‌های بیان یک فرد چیزی است که بورديو، سرمایه زبانی شخص می‌نامد که منفعت‌های عاید فرد در تبادلات زبانی را تعیین می‌کند. این منافع ممکن است کسب موقعیت و نفوذ اجتماعی باشند، اما گاهی به طور مستقیم منافع اقتصادی هستند. برای مثال منفعت کاربرد زبان در یک مصاحبه شغلی (یعنی تکلم به طرز بیان خاص به روشی خاص مردان یا زنان یا کاربرد واژگان خاص یا غیره). بورديو بافت‌های ارتباطی را بازارهای زبانی می‌نامد تا بر بعد اقتصادی اجتماعی تبادلات زبانی تاکید نماید. «در تبادلات ارتباطی منافع و ضررهای اقتصادی و اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم وجود دارند. در بازار زبانی برخی افراد منافع را انباشت کرده، سرمایه زبانی کسب می‌کنند، در حالی که دیگران کسب ضرر می‌کنند و بنابراین از آنان سلب مالکیت زبانی می‌شود» (بورديو، ۱۹۹۱، به نقل از مدینا، ۱۹۶۸).

گرنوبل و وایلی^۲ بر این اعتقادند که آنچه ادامه کاربرد زبان را در آینده تضمین می‌کند همان پرستیژ یا اعتباری است که با آن زبان همراه است و معمولاً زبان‌هایی از اعتبار برخوردار می‌شوند که دارای پیشینه غنی در ادبیات باشند، در رسانه‌های گروهی ملی یا منطقه به کار روند، در فرآیند مبادلات تجاری و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند و یا زبان یک مذهب پرطرفدار باشند. در واقع اعتبار، اهمیت و جایگاه اجتماعی زبان‌ها در این مورد بسیار تعیین‌کننده است. بنابراین به هنگام برخورد دو زبان، اهمیت، کاربرد و نقش‌های آن دو می‌تواند در حفظ یا تغییر زبان و در نهایت، سرنوشت آن‌ها مؤثر باشد (به نقل از بشیرنژاد، ۱۳۸۶).

اچسون تغییر زبان را یک پدیده اجتماعی می‌داند که برای رفع نیازهای اجتماعی صورت می‌گیرد. اچسون معتقد است که زبان‌ها همان گونه که برای هماهنگی با تحولات اجتماعی و حفظ کارکرد ارتباطی میان افراد جامعه، رفتار انطباقی دارند، اگر روزی به دلایلی نتوانند وظیفه ایجاد ارتباط میان گویشوران خود را به انجام برسانند، به سمت زوال تدریجی و در نهایت مرگ خواهند رفت. در واقع، یک زبان به این خاطر که نمی‌تواند نیازهای اجتماعی گویشوران خود را برآورده سازد، طرد شده و به فراموشی سپرده می‌شود (همان).

۳-۲- نظریات معطوف به هویت قومی

دسته‌ای دیگر از نظریات بر نقش هویت به طور عام و هویت قومی به طور خاص در حفظ یا زوال زبان‌های قومی تاکید دارند. بر اساس این نظریات انسان‌ها به صورت فطری دارای احساس تعلق و عدم تعلق هستند. از این رو جهان را به گروه‌های اجتماعی مختلفی تقسیم می‌کنند و برای رقم زدن هویت اجتماعی مثبت برای خود و متمایز کردن خود از دیگر گروه‌ها از شاخصه‌های مختلفی استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها زبان است. در واقع زبان ابزار مناسبی برای ابراز نمادین احساس وحدت درون گروهی و تمایز از سایر گروه‌ها است. به همین دلیل طرفداران این دیدگاه بر رابطه دو سویه بین زبان و هویت قومی تاکید دارند، بدین صورت

1 Pierre Bourdieu

2 Lenore A. Grenoble, , Lindsay J. Whaley

که از یک سو زبان مهم‌ترین عنصر برای شکل‌گیری هویت قومی است و از سوی دیگر تحولات زبان تحت تاثیر احساسات تمایزطلبانه یا وحدت‌جویانه اعضای گروه قومی قرار دارد.

یکی از جامعه‌شناسان زبانی که به رابطه دوسویه زبان و هویت پرداخته است، فیشمن است. فیشمن بیان می‌کند که: «زبان نه تنها به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط است، بلکه کاربرد یک زبان خاص یا گونه‌ای از یک زبان غالباً مثل یک شاخص تعیین هویت نژادی گویشوران است». همچنین فیشمن (همان) چنین می‌نویسد: «هر چیزی می‌تواند تبدیل به نمادی از هویت شود، اما چون که زبان یک نظام نمادین نخستینی است که هویت با آن شروع می‌شود و عموماً به کمک زبان تمامی فعالیت‌های نژادی بیان می‌شود، در واقع این شانس را دارد که به عنوان نظام نمادین هویت در نظر گرفته شود و به‌سادگی تبدیل به چیزی بیشتر از ابزار برقراری ارتباط شود و حتی چیزی بیشتر از نماد پیام نژادی شود، در واقع تبدیل به یک ارزش نژادی اولیه می‌شود» (داوری اردکانی، ۱۳۹۲).

ایجر^۱ (۲۰۰۱، به نقل از داوری اردکانی، ۱۳۹۲) به نقش‌های مختلف زبان اشاره می‌کند و از جمله دو نقش عمده برای زبان برمی‌شمارد: نقش وحدت‌بخش ارتباطی و نقش جداکننده (انفصالی). این دو نقش در واقع دو روی یک سکه هستند؛ چرا که به طور معمول و البته نه ضرورتاً وحدت با یک گروه متضمن جدایی از گروهی دیگر است و بالعکس. به این ترتیب، زبان با ایفای هر یک از این دو نقش، شاخص هویت گروهی یا اجتماعی خواهد بود.

توماس^۲ (۱۹۹۱، همان) میزان توجه به معیارسازی زبان را نشان‌دهنده وجود هویت ملی مشترک می‌داند. او وجود اسطوره‌های زبانی (مانند برتری ذاتی یک زبان و سخنگویان آن، تاکید بر ارزش زیبایی‌شناختی زبان، توجه به پاک‌سازی زبان و...) را از جمله نشانه‌های وجود پیوند قوی بین زبان و هویت معرفی می‌کند. او در تحلیل فرایند پالایش زبان و رابطه آن با هویت، خاستگاه این گرایش را نیاز به تقویت هویت ملی می‌داند. به نظر او گاهی پالایش زبان فقط وسیله‌ای برای افزایش هوشیاری ملی در جهت ترغیب و ایجاد انگیزه برای پرورش زبان و در جهت تقویت هویت است. به این ترتیب، توماس نتیجه می‌گیرد که وقتی ملتی در جستجوی هویت ملی برای خود است، ممکن است با انتخاب زبان به عنوان شاخص هویت، منجر به شکل‌گیری یک زبان و حفظ و تقویت آن شود و به عکس شکل‌گیری و پیدایش یک زبان ممکن است باعث تقویت هویت جمعی گردد.

۳,۳. چهار چوب نظری تحقیق

بر مبنای دو دسته نظریات طرح شده در بخش قبل، دو فرضیه رقیب نیز از این دو رویکرد قابل استنتاج و بررسی است. بر اساس نظریاتی که رفتارها و انتخاب‌های افراد از جمله انتخاب زبان را متأثر از ارزیابی منطقی آن‌ها از واقعیات عینی و میزان سود و زیانی می‌دانند که در نتیجه یک رفتار و انتخاب نصیب‌شان می‌شود، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که در صورتی که یک زبان محلی متعلق به یک جامعه زبانی فراتر از مرزهای جغرافیایی یک دولت ملت باشد و استفاده از آن دارای پتانسیل‌های ارتباطی و منافع مادی و اقتصادی ناشی از آن باشد، همچنان می‌تواند با وجود محدودیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های زبانی در داخل یک کشور، فرصت ارتباط را برای گویشورانش به عنوان مهم‌ترین کارکردی که برای آن تعریف شده است، فراتر از مرزهای جغرافیایی و در محدوده سایر دولت‌ها، فراهم کند. در این صورت اعضای یک جامعه زبانی امیدوار خواهند بود که در صورت حفظ زبان خود بتوانند فرصت‌های شغلی، اقتصادی و اجتماعی که در داخل مرزهای کشور خود به واسطه زبانشان از دست داده‌اند، با حفظ زبان مادری‌شان، در ارتباط با سایر کشورهایی که هم زبان‌هایشان زندگی می‌کنند، به آن‌ها دست پیدا کنند.

1 Dennis Ager

2 George Thomas

بنابر این رویکرد و فرضیه برآمده از آن، قاعدتاً می‌بایست دو قوم ترک و کرد در ایران که به جوامع زبانی فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی ایران تعلق دارند، میزان پایداری‌شان به زبان مادری بیشتر از قوم لر باشد که به داخل مرزهای ایران محدود است. اعضای دو قومیت ترک و کرد به واسطه این که زبانشان در کشورهای هم مرز ایران به عنوان زبان رسمی شناخته شده‌اند و دارای پشتوانه قدرت هستند، می‌توانند انتظار داشته باشند که به واسطه زبان‌شان در این کشورها به فرصت‌های بیشتری برای ارتباط و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خود دست پیدا کنند و همین عامل سبب می‌شود که اعضای این قومیت‌ها نگرش مثبتی نسبت به زبان مادری خود داشته باشند و در نتیجه برای حفظ و آموزش آن به فرزندان‌شان تلاش کنند. بنابراین دوزبانه بودن و حفظ زبان مادری در کنار زبان فارسی برای این دو قومیت فرصت‌هایی را دربردارد، در حالی که زبان لری با وجود محدودیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های زبانی در داخل کشور و اینکه این زبان محدود به مرزهای ایران است، در مقایسه با زبان‌های ترکی و کردی فرصت‌های کمتری را برای ارتباط و کسب فرصت‌های اقتصادی و شغلی برای گویشورانش فراهم می‌کند. بنابراین گویشوران این زبان، دوزبانه بودن و حفظ زبان مادری در کنار زبان فارسی را دربردارنده مزیت خاصی برای خود نمی‌دانند و بالطبع نگرش منفی نسبت به زبان مادری‌شان در آن‌ها شکل می‌گیرد که نتیجه این نگرش منفی عدم انتقال زبان به نسل‌های آینده و عدم پایداری به زبان مادری در حوزه‌های مختلف اجتماعی است. بنابراین اگر رویکرد نظری معطوف به کارکردهای زبان مطابق با واقع باشد، تفاوت معنادار میان پایداری به زبان میان ترک‌زبان‌ها و کردزبان‌ها در مقایسه با لرزبان‌ها قابل انتظار است.

در مقابل و بنابر نظریات معطوف به هویت قومی، که تحولات زبانی را متأثر از احساسات تمایزطلبانه یا وحدت‌جویانه اعضای گروه قومی می‌دانند، فرضیه قابل طرح آن است که قومیت‌هایی با میزان پایداری متفاوت به زبان مادری از نظر هویت قومی هم باید متفاوت باشند. درواقع قومیت‌هایی که هویت قومی قوی دارند باید میزان پایداری‌شان به زبان مادری هم بیشتر باشد. بر این مبنا یا میان پایداری به زبان مادری میان سه قومیت مورد بررسی تفاوت معنادار وجود ندارد، یا این تفاوت با تفاوت میان هویت قومی همبسته بوده و قومیت‌های دارای پایداری بیشتر به زبان مادری دارای درجات بالاتری از هویت قومی هستند.

پژوهش حاضر درصدد است این دو فرضیه رقیب را آزمون کرده تا مشخص شود شواهد تجربی همسو با کدام‌یک از این دو فرضیه است. در صورتی که میان سه قومیت مورد بررسی از حیث متغیر وابسته یعنی پایداری به زبان مادری و متغیر میانجی یعنی نگرش به زبان، تفاوت معناداری مشاهده نشود یا تفاوت مشاهده شده با تفاوت میان هویت قومی در میان سه قومیت همبسته باشد، رویکردهای نظری معطوف به هویت قومی مورد تایید شواهد تجربی قرار می‌گیرند اما در صورتی که پایداری به زبان مادری و نیز نگرش به زبان میان ترک‌ها و کردها به طرز معناداری بیش از لرها باشد و در عین حال هویت قومی میان این سه قومیت تفاوت معناداری را نشان دهد، شواهد تجربی موید نظریات معطوف به کارکرد زبان خواهند بود.

۴. روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش، بنابر محدودیت‌های تحقیق و امکانات محقق، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس هستند که متعلق به سه قومیت ترک، کرد و لر می‌باشند و در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ در دو مقطع ارشد و دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند، این دانشجویان وجهی دوگانه برای پژوهش داشته‌اند، هم متغیرهای تحقیق در مورد خود آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است و هم به دلیل تفاوت جایگاه اجتماعی آن‌ها با دیگر اعضای قومیت، از آن‌ها به عنوان مطلع از وضعیت متغیرها در جامعه قومی هم پرسش شده است، تا با توجه به محدودیت جامعه آماری، به اعتبار نتایج تحقیق تا حد امکان افزوده شود.

در این تحقیق به دلیل اینکه اطلاعات دقیقی از جمعیت کل دانشجویان متعلق به سه قومیت در دسترس نبوده است، معیار انتخاب جمعیت نمونه را تعداد متغیرها قرار داده‌ایم؛ برخی از روش‌شناسان به ازای هر متغیر ۳۰ نفر نمونه را مناسب دانسته‌اند (کرلینجر^۱، ۱۳۶۶؛ به نقل از ساعی، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه ما نیز سه متغیر پایبندی به زبان، نگرش به زبان و هویت قومی داریم، به ازای هر متغیر ۳۰ نفر نمونه در نظر گرفته شده است و با توجه به سه قومیت مورد بررسی برای هر قومیت به تعداد مساوی ۱۰۰ نفر و در مجموع ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری و اینکه شناسایی دانشجویان متعلق به هر قومیت از سایر دانشجویان کار آسانی نبود، از روش نمونه‌گیری انباشتی یا شبکه‌ای استفاده شده است، بدین صورت که از طریق ارتباط برقرار کردن با تعدادی از دانشجویان هر قومیت سایر دانشجویان را به ما معرفی کرده‌اند. به دلیل کثرت واحدهای مشاهده در این پژوهش از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است و از بین ابزارهای معمول برای گردآوری داده‌ها در روش پیمایش، پرسشنامه به جهت اینکه در اغلب شرایط عملی‌تر و آسان‌تر است و به محقق امکان مطالعه و بررسی نمونه‌های بزرگتری را می‌دهد، به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه نیز ترکیب مجموعه‌ای از گویه‌ها به شکل طیف لیکرت بوده و روایی پرسشنامه و معیارهای به کار برده شده در آن از طریق توزیع آزمایشی پرسشنامه اولیه در بین ۲۷ نفر از پاسخگویان، مورد بررسی قرار گرفته و گویه‌هایی که در حین پاسخگویی برای پاسخگویان مورد ابهام بوده حذف یا اصلاح شده‌اند.

اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از اعتبار محتوایی (رجوع به متخصصان) مورد بررسی قرار گرفته است و برای ارزیابی پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ در مرحله پیش‌آزمون و پس از اجرای نهایی پرسشنامه استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
پایبندی به زبان	۰,۹۴
نگرش به زبان	۰,۸۹
هویت قومی	۰,۷۸

در این پژوهش برای سنجش پایبندی افراد به زبان مادری از روش تحلیل حوزه‌ای پیشنهادی فیشرمن استفاده شده است و در تهیه پرسشنامه نیز از پژوهش خانم سوزان گل (۱۹۷۹)، بشیرنژاد (۱۳۷۹) و ذوالفقاری (۱۳۷۶) الگوگیری شده است. فیشرمن به بررسی پایبندی به زبان مادری در حوزه‌های مختلف اجتماعی از جمله حوزه خانواده، حوزه مدرسه، حوزه شهر، حوزه اداری و حوزه مذهب، هنر و سرگرمی می‌پردازد. از آنجایی که خانواده مهم‌ترین جایگاه زبان‌آموزی و حفظ و انتقال زبان به نسل بعدی است و مسلماً زبان اول یا همان زبان مادری فرد در این محیط شکل می‌گیرد و این فرایند یادگیری و حفظ زبان مادری در محیط مدرسه به عنوان دومین محیطی که کودکان بیشترین ارتباط را با آن دارند، ادامه پیدا می‌کند و تثبیت می‌شود، بنابراین ما از بین حوزه‌های مختلف به بررسی دو حوزه کاربردی عمده یعنی حوزه خانواده و حوزه مدرسه پرداخته‌ایم. در این پژوهش برای سنجش میزان پایبندی قومیت‌ها به زبان مادری‌شان از یک پرسشنامه ۱۴ گویه‌ای استفاده شده است که از این چهارده گویه، ۶ گویه مربوط به سنجش پایبندی خود فرد به زبان مادری‌اش می‌باشد و در هشت گویه دانشجویان به عنوان افراد مطلع مورد پرسش قرار گرفته‌اند تا با توجه به تجربه زندگی در یک شهر اطلاعاتی را درباره افراد هم‌شهری و هم‌قومیتی خود به ما بدهند.

نگرش زبانی، هر شاخص احساسی، شناختی یا رفتاری در واکنش به گونه‌های مختلف زبان و سخنگویان آن است. به باور بیکر و فسولد (به نقل از دایرز، ۲۰۰۸)، افراد براساس نگرش‌های زبانی خود، زبان‌ها را ارزش‌گذاری می‌کنند، نسبت به آن‌ها احساسی را در خود می‌آفرینند و در قبال آن زبان‌ها و گویشوران آن‌ها رفتاری را از خود نشان می‌دهند. بررسی نگرش زبانی، ممکن است تنها به نگرش‌های افراد در مورد خود زبان محدود شود و از پرسش‌شوندگان در مورد اینکه یک گونه زبانی به نظر آن‌ها کامل، ناقص، زشت یا زیبا است، سوال شود. در مواردی هم سوال درباره نگرش زبانی به احساس خود فرد نسبت به گویشوران یک گونه زبانی معطوف می‌شود. در برخی موارد نیز سوال وسیع‌تر شده و از فرد در مورد برنامه‌ریزی نسبت به آینده یک زبان و حفظ یا تغییر آن سوال می‌شود. در این پژوهش برای سنجش نگرش زبانی قومیت‌ها به زبان مادری‌شان از یک پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای استفاده می‌کنیم که از بین این هجده گویه ۱۰ گویه مربوط به سنجش نگرش خود فرد به زبان مادری‌اش می‌باشد و در هشت گویه فرد پاسخگو به عنوان مطلع در مورد نگرش همشهری‌ها و هم‌قومیتی‌هایش نسبت به زبان مادری‌شان مورد پرسش قرار می‌گیرد.

یکی از انواع هویت اجتماعی، هویت قومی است؛ فالک و کارو، هویت قومی را به عنوان تلفیقی از «نگرش‌های فرد به منشاء خود و کردارهای فرهنگی مشترک آن گروه و نیز احساس تعلق به آن گروه» تعریف می‌کنند. آن‌ها به‌علاوه اظهار می‌دارند که علاوه بر احساس مثبت به گروه‌های خودی (تعلق و تفاخر نسبت به درون گروه) باید چگونگی تفکیک گروه خود و گروه‌های دیگر و ترجیحی که فرد به افراد و شیوه‌های درون گروه خود دارد (تعصب درون‌گروهی یا التفات ویژه به افراد خودی) را نیز در تعریف هویت قومی در نظر گرفت (عبداله، ۱۳۹۵). در این پژوهش ما نیز یک سنجه ۱۴ گویه‌ای با الهام از سنجه فالک و کارو طراحی کرده‌ایم، که از این ۱۴ گویه، هفت گویه مربوط به سنجش هویت قومی خود فرد پاسخگو است و هفت گویه دیگر نظر فرد به عنوان مطلع درباره هویت قومی همشهری‌ها و هم‌قومیتی‌هایش پرسیده شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵۱ درصد از پاسخگویان در این تحقیق، زن و ۴۹ درصد مرد می‌باشند. ۷۲٫۷ درصد از پاسخگویان در مقطع ارشد و ۲۷٫۳ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند و میانگین سنی آن‌ها ۲۷٫۲ سال بوده است.

اگر داده‌های محاسبه شده برای شاخص هویت قومی را به صورت شرح داده شده در جدول به صورت رتبه‌ای در یک طیف پنج طبقه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد رتبه‌بندی کنیم، میزان هویت قومی برای هر یک از اقوام به شرح زیر می‌باشد: میزان هویت قومی برای ۵۵ درصد از پاسخگویان ترک در حد زیاد یا خیلی زیاد و برای ۳۹ درصد در حد متوسط محاسبه شده است. میزان هویت قومی برای ۷۵ درصد از پاسخگویان کرد در حد زیاد و خیلی زیاد و برای ۲۳ درصد در حد متوسط محاسبه شده است. میزان هویت قومی برای ۶۹ درصد از پاسخگویان لر در حد زیاد و خیلی زیاد و برای ۲۷ درصد در حد متوسط محاسبه شده است.

میانگین	هویت قومی					فراروانی	ترک	کرد	لر
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
۴۰,۳۰	11	44	39	6	۰	فراروانی	ترک	کرد	لر
	11.0%	44.0%	39.0%	6.0%	۰,۰	درصد			
۴۲,۸۹	18	57	23	2	۰	فراروانی	ترک	کرد	لر
	18.0%	57.0%	23.0%	2.0%	۰,۰	درصد			
۴۱,۳۳	10	59	27	4	۰	فراروانی	ترک	کرد	لر
	10.0%	59.0%	27.0%	4.0%	۰,۰	درصد			

اگر داده‌های محاسبه شده برای شاخص میزان پابندی اقوام به زبان مادری را به صورت شرح داده شده در جدول به صورت رتبه‌ای در یک طیف پنج طبقه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد رتبه‌بندی کنیم، میزان پابندی به زبان مادری برای هر یک از اقوام به شرح زیر می‌باشد: میزان پابندی به زبان مادری برای ۷۱ درصد از ترک‌ها در حد زیاد یا خیلی زیاد و برای ۲۰ درصد در حد کم و خیلی کم محاسبه شده است و همچنین میزان پابندی به زبان مادری برای ۷۲ درصد کردها در حد زیاد و خیلی زیاد و برای ۱۶ درصد در حد کم و خیلی کم محاسبه شده است. این درحالی است که پابندی به زبان مادری برای ۶ درصد از پاسخگویان لر و همشهری‌هایشان در حد زیاد و خیلی زیاد و برای ۷۹ درصد در حد کم و خیلی کم محاسبه شده است.

میانگین	میزان پابندی به زبان					فراروانی	ترک	کرد	لر
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
۱۰,۹۷	60	11	9	8	12	فراروانی	ترک	کرد	لر
	60.0%	11.0%	9.0%	8.0%	12.0%	درصد			
۱۱,۵۴	64	8	12	8	8	فراروانی	ترک	کرد	لر
	64.0%	8.0%	12.0%	8.0%	8.0%	درصد			
۵,۲۵	2	4	15	55	24	فراروانی	ترک	کرد	لر
	2.0%	4.0%	15.0%	55.0%	24.0%	درصد			

اگر داده‌های محاسبه شده برای شاخص نگرش به زبان مادری هر یک از اقوام را به صورت شرح داده شده در جدول به صورت رتبه‌ای در یک طیف پنج طبقه‌ای از خیلی مثبت تا خیلی منفی رتبه‌بندی کنیم، وضعیت نگرش به زبان مادری برای پاسخگویان متعلق به هر یک از قومیت‌ها به شرح زیر می‌باشد: وضعیت نگرش به زبان مادری برای ۶۵ درصد ترک‌ها در حد مثبت یا خیلی مثبت و برای ۳۴ درصد در حد متوسط محاسبه شده است. وضعیت نگرش به زبان مادری برای ۵۴ درصد از قومیت کرد در حد مثبت و خیلی مثبت، برای ۴۳ درصد در حد متوسط محاسبه شده است. وضعیت نگرش به زبان مادری برای ۹ درصد از لرها در حد مثبت، برای ۶۸ درصد در حد متوسط و برای ۲۳ درصد در حد منفی محاسبه شده است.

میانگین	نگرش به زبان					فرآوانی	تر	قومیت
	خیلی مثبت	مثبت	متوسط	منفی	خیلی منفی			
۶۳,۸۹	6	59	34	1	۰	فرآوانی	ک	
	6.0%	59.0%	34.0%	1.0%	۰,۰	درصد		
۶۲,۱۴	5	49	43	3	۰	فرآوانی	کرد	
	5.0%	49.0%	43.0%	3.0%	۰,۰	درصد		
۵۱,۴۵	0	9	68	23	۰	فرآوانی	لر	
	0.0%	9.0%	68.0%	23.0%	۰,۰	درصد		

۵-۱- آزمون فرضیات

بر مبنای نتایج حاصل از انجام آزمون F یا تحلیل واریانس که در جدول زیر آمده است، میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های پایداری به زبان مادری میان سه قومیت ترک، کرد و لر با توجه به سطح معناداری ($sig = 0.000$) با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

		N	Mean	Std. Deviation	F	sig
پایداری به زبان	ترک	۱۰۰	10.9700	4.64813	78.123	.000
	کرد	۱۰۰	11.5400	4.30508		
	لر	۱۰۰	5.2500	2.51611		
	کل	۳۰۰	9.2533	4.84569		

بررسی نتایج تحلیل تعقیبی آزمون F که در جدول زیر آمده است، تفاوت بین گروه‌ها به صورت دو به دو و تفکیک شده بر اساس تفاوت میانگین‌ها پرداخته شده است، نتایج این تحلیل برای مقایسه میزان پایداری به زبان مادری در میان سه قومیت ترک، لر و کرد نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های پایداری به زبان مادری، در بین دو قومیت ترک و کرد با توجه به سطح معناداری ($sig = 0.592$) معنادار نیست، اما در بین دو قومیت ترک و لر، در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($sig = 0.000$) این تفاوت معنادار است و همچنین در بین دو قومیت کرد و لر در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($sig = 0.000$) میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین پایداری به زبان مادری معنادار است.

Dependent Variable	قومیت (I)	قومیت (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.
پایداری به زبان به طور کلی	ترک	کرد	-.57000	.55659	.592
		لر	5.72000*	.55659	.000
	کرد	لر	6.29000*	.55659	.000

درعین‌حال با توجه به ضریب همبستگی بین میزان پایداری به زبان و نگرش به زبان ($R = 0.679$) و نسبت کل واریانس متغیر میزان پایداری به زبان ($R \text{ squar} = 0.462$) که توسط نگرش به زبان توضیح داده می‌شود و همچنین سطح معناداری رابطه ($\text{sig} = 0.000$)، همبستگی میان متغیر وابسته (پایداری به زبان مادری) و متغیر میانجی (نگرش به زبان) نیز تایید می‌شود.

sig	R squar	R
0.000	0.462	0.679

بر مبنای این رابطه همبستگی، نتایج تشابه و تفاوت قومیت‌ها به متغیر پایداری به زبان مادری، عیناً برای متغیر نگرش به زبان نیز تکرار شده است. بر مبنای نتایج حاصل از انجام آزمون F یا تحلیل واریانس که در جدول زیر آمده است، میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های نگرش به زبان مادری میان سه قومیت ترک، کرد و لر با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.000$) با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

		N	Mean	Std. Deviation	F	Sig
نگرش به زبان	ترک	100	63.8900	7.50878	79.430	.000
	کرد	100	62.1400	7.60120		
	لر	100	51.4500	7.55769		
	کل	300	59.1600	9.32977		

همچنین بررسی نتایج تحلیل تعقیبی آزمون F که در جدول زیر آمده است، به بررسی تفاوت بین گروه‌ها به صورت دو به دو و تفکیک شده بر اساس تفاوت میانگین‌ها می‌پردازد. نتایج این تحلیل برای مقایسه نگرش به زبان مادری در میان سه قومیت کرد، لر و ترک نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های نگرش به زبان مادری در بین دو قومیت ترک و کرد با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.263$) معنادار نیست. اما در بین دو قومیت ترک و لر، در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($\text{sig} = 0.000$) این تفاوت معنادار است و همچنین در بین دو قومیت کرد و لر در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($\text{sig} = 0.000$) میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین نگرش به زبان مادری معنادار است.

Dependent Variable	قومیت(I)	قومیت(J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.
نگرش به زبان	ترک	کرد	1.75000	1.06858	.263
		لر	12.44000*	1.06858	.000
	کرد	لر	10.69000*	1.06858	.000

تا این‌جا تفاوت میان میزان پایداری به زبان مادری و نگرش مثبت به زبان مادری در میان ترک‌ها و کردها به شکل معناداری بیش از لرها بوده است. در صورتی که این نتایج برای متغیر هویت قومی هم تکرار شود، یعنی میزان هویت قومی میان ترک‌ها و کردها به شکل معناداری بیش از لرها باشد، می‌توان گفت شواهد تجربی موید نظریات معطوف به هویت قومی است، درحالی‌که شواهدی که در ادامه می‌آید نشان می‌دهد تفاوت میان هویت قومی میان سه قومیت متناسب با متغیر پایداری و نگرش به زبان معنادار نبوده و اتفاقاً سطح هویت قومی در میان لرها تفاوت معناداری با دو قومیت دیگر ندارد. نتیجه‌ای که نشان می‌دهد نظریات

هویت قومی که پایبندی به زبان مادری را یکی از مهم‌ترین اجزاء هویت قومی در نظر می‌گیرند نیازمند تجدیدنظر و بازنگری هستند، چراکه نتایج پژوهش حاضر به ویژه در مورد قوم لر نشان می‌دهد هویت قومی و پایبندی به زبان مادری می‌تواند مستقل از یکدیگر تغییر کنند.

بر مبنای نتایج حاصل از انجام آزمون F یا تحلیل واریانس که در جدول زیر آمده است، میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های هویت قومی میان سه قومیت ترک، کرد و لر با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.004$) با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

	N	Mean	Std. Deviation	F	Sig	
هویت قومی به طور کلی	ترک	100	40.3000	5.91779	5.557	.004
	کرد	100	42.8900	5.52660		
	لر	100	41.3300	5.12284		
	کل	300	41.5067	5.61561		

بررسی نتایج تحلیل تعقیبی آزمون F که در جدول زیر آمده است، به بررسی تفاوت بین گروه‌ها به صورت دو به دو و تفکیک شده بر اساس تفاوت میانگین‌ها می‌پردازد. نتایج این تحلیل برای مقایسه هویت قومی در میان سه قومیت کرد، لر و ترک نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های هویت قومی در بین دو قومیت کرد و ترک با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.000$) با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است، اما در بین دو قومیت لر و ترک با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.421$) این تفاوت معنادار نیست و همچنین مشاهده می‌شود که میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های هویت قومی در بین دو قومیت لر و کرد نیز با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0.139$) معنادار نیست.

Dependent Variable	قومیت(I)	قومیت(J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.
هویت قومی به طور کلی	ترک	کرد	-2.59000*	.78233	.005
		لر	-1.03000	.78233	.421
	کرد	لر	1.56000	.78233	.139

۶. جمع‌بندی و پیشنهادات

این پژوهش به منظور بررسی و مقایسه میزان پایبندی به زبان مادری در میان سه قومیت کرد، لر و ترک انجام گرفته است. توصیف شاخص‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی میانگین‌های سه گروه ترک، کرد و لر در میزان پایبندی به زبان مادری به ترتیب از بیشترین به کمترین عبارتند از: کردها با میانگین ۱۱,۵۴ دارای بیشترین نمرات در پایبندی به زبان مادری، سپس ترک‌ها با میانگین ۱۰,۹۷ و در آخر لرها با میانگین ۵,۲۵ دارای کمترین نمرات در پایبندی به زبان مادری هستند. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد علیرغم اینکه بین پایبندی به زبان مادری در میان دو قومیت کرد و ترک تفاوت معناداری وجود نداشته است، اما پایبندی قوم لر در مقایسه با این دو قومیت تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و میزان پایبندی قومیت لر به مراتب کمتر بوده است.

در تبیین تفاوت مشاهده شده، دو دسته نظریه رقیب و فرضیات برآمده از آن‌ها مورد آزمون قرار گرفت. یک دسته نظریاتی که هویت قومی را عامل اصلی تبیین‌کننده تفاوت قومیت‌ها در میزان پایبندی به زبان مادری عنوان می‌کردند، براین‌مبنا و در صورت صحت فرضیات برآمده از این دسته از نظریات، می‌بایست میزان هویت قومی لرها نیز در مقایسه با ترک‌ها و ترک‌ها به شکل معناداری کمتر می‌بود، اما نتایج سنجش هویت قومی سه قوم کرد، لر و ترک در این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین‌های این سه قومیت در میزان هویت قومی به ترتیب از بیشترین به کمترین عبارتند از: کردها با میانگین ۴۲٫۸۹ دارای بیشترین نمرات در هویت قومی، سپس لرها با میانگین ۴۱٫۳۳ و در آخر ترک‌ها با میانگین ۴۰٫۳۰ دارای کمترین نمرات در هویت قومی هستند. همچنین نتایج آزمون F نیز نشان می‌دهد که میزان تفاوت مشاهده شده در میانگین‌های هویت قومی در بین دو قومیت لر و ترک ($\text{sig} = 0.421$) و همچنین بین دو قومیت کرد و لر ($\text{sig} = 0.139$) معنادار نیست.

چنان‌که مشاهده می‌شود قومیتی که میزان پایبندی به زبانش پایین است، لزوماً گرایش به هویت قومی کمتر نیست. همچنانکه قومیت لر با وجود اینکه میزان پایبندی‌اش به زبان به صورت معناداری کمتر از دو قومیت کرد و ترک است، اما در هویت قومی نه تنها تفاوت معناداری با این دو قومیت ندارد، بلکه میانگین هویت قومی در بین لرها حتی بیشتر از ترک‌ها است. در واقع به نظر می‌رسد میزان پایبندی به زبان لزوماً با میزان گرایش به هویت قومی همبسته نیست، بلکه مستقل از آن تغییر می‌کند و از این‌رو به نظر می‌رسد ادبیات هویت قومی که به پایبندی به زبان قومی به عنوان یکی از ارکان اصلی هویت قومی تاکید می‌کند نیازمند بازبینی و تجدیدنظر است.

درواقع شواهد تجربی این پژوهش در جهت تبیین تفاوت معنادار میان پایبندی اقوام مختلف به زبان مادری، موید فرضیات و نظریات معطوف به کارکردهای زبان است، بدین‌معناکه میزان پایبندی اقوام مختلف به زبان مادری و سرعت تغییر زبان‌ها بیش از آنکه تحت تاثیر عوامل ذهنی همچون احساس تعلق و میزان گرایش به هویت قومی باشد، متأثر از میزان فرصت‌های عینی است که یک زبان برای گویشوارانش در جهت ارتباطات گسترده‌تر و کسب فرصت‌های شغلی، اقتصادی و بهبود وضعیت اجتماعی زندگی، فراهم می‌کند. امروزه مسائل اقتصادی و تمایل به داشتن رفاه اجتماعی، مهم‌ترین دلیل ترک زبان‌های بومی و گرایش به زبان‌های رسمی، غالب و به تعبیری دارای قدرت است. در چنین مواردی دیگر ملت خود را در زبان نمی‌بینند و میزان پایبندی‌شان به زبان به صورت مستقل از هویت قومی‌شان تغییر می‌کند.

براین‌مبنا، به نظر می‌رسد قومیت لر تحت تاثیر سیاست‌گذاری‌های زبانی، زبان رسمی کشور و بافت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، زبان مادری‌شان را نه تنها به عنوان ابزاری کارآمد برای ارتباط نمی‌بینند، بلکه به عنوان مانعی جهت پویایی اقتصادی یا برای یکسان‌سازی نسبت به جریان اصلی جامعه تلقی می‌کنند و در نتیجه نگرش‌های منفی نسبت به زبان مادری‌شان در آن‌ها شکل گرفته است. به همین دلیل است که مشاهده می‌شود قومیت لر علیرغم اینکه هویت قومی هم‌سنگ با قومیت‌های کرد و ترک دارند، اما میزان پایبندی‌شان به زبان مادری کمتر از آن‌ها است.

با رد فرضیات برآمده از نظریات معطوف به هویت قومی، شواهد تجربی همسو با فرضیات برآمده از دسته دوم نظریات یعنی نظریات معطوف به کارکردهای ارتباطی و اقتصادی زبان قرار می‌گیرند. بر این‌مبنا، دو زبان کردی و ترکی به رغم کاهش نقش ابزاری‌شان در داخل کشور، به واسطه اینکه هر کدام متعلق به جوامع زبانی فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی ایران هستند، نسبت به زبان لری که محدود به مرزهای ایران است، می‌توانند از نظر ارتباطی کارآمدتر باشند و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری را در محدوده سایر دولت‌های هم‌زبان نصیب گویشواران‌شان کنند. در این صورت بالطبع گویشواران این زبان‌ها نیز با نگرشی مثبت نسبت به این زبان‌ها، در جهت حفظ و انتقال آن‌ها به فرزندان‌شان عمل خواهند کرد. یافته‌های تحقیق مبنی بر بالاتر بودن

میزان پابندی دو قومیت کرد و ترک به زبان مادری در مقایسه با قومیت لر موید این دسته از نظریات معطوف به کارکردهای ارتباطی و اقتصادی زبان و فرضیات برآمده از آنهاست.

درعین حال باید توجه داشت که این پژوهش در میان نمونه محدودی از دانشجویان یک دانشگاه انجام شده است و تعمیم آن به کل اعضای قومیت‌های مورد بررسی با محدودیت‌هایی مواجه است، چراکه ممکن است نتایج به دست آمده ناشی از شرایط خاص دانشجویان و جایگاه اجتماعی و طبقاتی خاص آن‌ها باشد و در صورت تکرار پژوهش در جامعه آماری وسیع‌تر، نتایج دستخوش تغییراتی شود. بر این مبنا ضروری است این نتایج در یک تحقیق با جامعه آماری بازنمایی‌کننده‌تر از هر یک از قومیت‌های مورد بررسی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد تا از روایی و پایایی آن اطمینان حاصل شود.

همچنین در صورتی که نظریات معطوف به کارکردهای زبان و فرضیات برآمده با آن‌ها تبیین‌کننده بهتری برای تفاوت‌های موجود میان قومیت‌های مختلف از حیث پابندی به زبان مادری باشند، آن‌گاه، قابل انتظار است پابندی به زبان مادری در میان دیگر قومیت‌هایی که که متعلق به جامعه زبانی برون مرزی هستند، مانند عرب زبان‌های خوزستان یا بلوچ‌ها نیز بیش از دیگر قومیت‌هایی باشند که گویشوران‌شان به درون مرزهای ملی ایران محدودند.

منابع

- امان الهی بهاروند، اسکندر (۱۳۹۳). قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران، تهران، آگه.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹). بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در میان دانش‌آموزان و معلمان دوره متوسطه شهرستان آمل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶). زبان مازندرانی: جایگاه، کاربرد و نگرش گویشوران در مازندران، رساله دکترا، تهران: دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). زبان‌شناسی اجتماعی. ترجمه محمد طباطبایی، تهران: انتشارات آگه.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی زبان، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). گویش بختیاری، بقا یا زوال؟ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساعی، علی (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی، تهران: انتشارات سمت.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۸۳). بررسی نگرش دانش‌آموزان دوزبانه شهر مرند نسبت به کاربرد زبان فارسی با تکیه بر جنسیت و طبقه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفایی اصل، اسماعیل و آرام، یوسف (۱۳۹۵). حفظ یا تغییر زبان؟؛ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران، شماره ۱۵.
- عبداله، عبدالمطلب (۱۳۹۵). بررسی میزان توجه به مولفه‌های هویت قومی و ملی در بین دانشجویان کرد و آذری در دانشگاه‌های تهران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره شانزدهم.
- کیخائی، یحیی (۱۳۸۹). بررسی نگرش زبانی در محیط‌های دو زبانه در بین گویشوران زبان‌های در حال انقراض، رساله دکترا، تهران: دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه تهران.
- مدینا، خوسه (۱۹۶۸). زبان: مفاهیم بنیادی در فلسفه، مترجم: محمود کریمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی ریشه‌های اجتماعی تطور و شکل‌گیری زبان فعلی مردم آذربایجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران.

- مشایخ، طاهره (۱۳۸۲). بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و والدین آن‌ها در شهر رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهری، کریم و مهری، رضا (۱۳۹۵). چگونگی تغییر زبان گفتاری از ترکی به فارسی در گذشته و مقاومت در مقابل تغییر در حال حاضر، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۳۵.
- میرزایی، حسین و قربان‌پور، سجاد (۱۳۹۲). بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره نهم.
- نساج، حمید (۱۳۸۷). جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی (با تاکید بر مولفه‌های زبان و آداب و رسوم)، دوفصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، شماره پنجم.

- Clingingsmith, David (2006), "Bilingualism, Language Shift, and Economic Development in India 1931-1961, Department of Economics, USA: Harvard University:1-40.
- Habtoor, H. A. (2012), "Language maintenance and language shift among second generation Tigrinya-speaking Eritrean immigrants in Saudi Arabia", *Theory and Practice in Language Studies*, Vol. 2, No. 5, pp. 945-955.
- Umaña-Taylor & Yazedjian, A. (2006). Generational Differences and Similarities among Puerto Rican. And Mexican mothers experiences with familial ethnic Socialization. *Journal of Social and Personal Relationships*, Vol.2.
- Umaña-Taylor, A. J. (2008). "A Longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-esteem", *Journal of Adolescence*. Vol. 28, No. 1: 16-50.
- Xia, N. (1992), "maintenance of the Chinese language in the united states", *the bilingual Review*, vol, 17, N, 3, pp. 195-209.
- Anonby, E. J. (2003). Update on Luri: How Many Languages?. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 13 (2), 171-197.
- Mackinnon, C (2011). "Lori dialects". *Encyclopaedia Iranica* 18. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University.